

مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری

مطالعه محله‌ای در منطقه ۵ شهر تهران^۱

رحمت‌الله صدیق سروستانی،* آرش نصرافهانی**

چکیده

در این تحقیق سطح ترس از جرم شهروندان در یکی از محله‌های تهران با تدوین مدل علی آزموده شده است. نظریه‌های سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و بزه‌دیدگی برای انتخاب متغیرها و تدوین مدل پژوهش جهت علت‌یابی ترس از جرم در محله‌های شهری انتخاب شدند. داده‌ها از یک نمونه تصادفی ۳۸۶ نفره از ساکنان محله جنت‌آباد شمالی به وسیله پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. مدل نظری پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات با به‌کارگیری روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار آموس^۲ آزمون شده و مدل نهایی برآزش شده است. تحلیل چندمتغیره انجام شده در حدود ۵۷ درصد از واریانس متغیر وابسته، یعنی ترس از جرم، را تبیین می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بی‌نظمی در محله مهم‌ترین تبیین‌کننده ترس از جرم در محلات شهری است. تجربه بزه‌دیدگی و رضایت از محله نیز تأثیر چشمگیری بر سطح ترس از جرم شهروندان دارند. نتایج این تحقیق ارتباط میان تعلق به شبکه‌های حمایت اجتماعی و اتخاذ تدابیر حفاظتی را با سطح ترس از جرم شهروندان تأیید نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: ترس از جرم، بی‌سازمانی اجتماعی، تصور از بی‌نظمی، رضایت از محله، بزه‌دیدگی.

^۱ این مقاله برگرفته از پژوهشی است که در سال ۱۳۸۹ با حمایت مالی دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی معاونت اجتماعی شهرداری تهران انجام شده است.

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران rsadigh@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران a.n.esfahani@gmail.com

^۲ AMOS

۱. مقدمه و بیان مسئله

ترس از جرم یکی از مسائل جوامع معاصر به حساب می‌آید که در سطوح مختلف فرد، محله و جامعه دارای اثرات و پیامدهای مهمی است. در سطح فردی، ترس از جرم آزادی فرد را برای عبور و مرور در محله خود محدود می‌کند (لیسکا و دیگران، ۱۹۸۸) و باعث ایجاد نارضایتی از محله و به‌طور کلی زندگی می‌شود (سیرچی و کرنول، ۲۰۰۲). در سطح محله ترس از جرم انسجام اجتماعی، مشارکت در نهادهای همکاری جمعی و پیوندهای اجتماعی را کاهش می‌دهد (ریگر و دیگران، ۱۹۸۱؛ پرکینز و دیگران، ۱۹۹۰؛ مارکویتز و دیگران، ۲۰۰۱). در سطح جامعه نیز ترس از جرم مشکلی بر مشکلات همیشگی مناطق شهری و محله‌های محروم و جرم‌خیز می‌افزاید و امکان خروج افراد از منطقه را برای آن‌ها دشوار می‌کند (هیل، ۱۹۹۶). باید توجه داشت که ترس از جرم می‌تواند عمدتاً حاصل تصور شهروندان از عوامل پنهان موجود در محیط اطراف باشد تا اینکه مشخصاً به فعالیت‌های مجرمانه آشکار در جامعه محلی مربوط باشد. بنابراین، مطالعه ترس از جرم در محله‌های شهری لزوماً منحصر به محله‌های جرم‌خیز نیست و باید مجموعه گسترده‌ای از عوامل اجتماعی و محیطی را در برگیرد.

تحقیقات مرتبط با ترس از جرم با برخی چارچوب‌های غالب نظری انجام شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و بوم‌شناسی جرم هستند. در این مطالعات عوامل ساختاری متعددی در تبیین ترس مشخص شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از میزان بالای جرم در اجتماع محلی، تبعیض شدید نژادی و طبقاتی، تراکم بالای جمعیت، تحرک بالای جمعیت، انسجام پایین اجتماعی و عدم مشارکت مدنی و سیاسی (رونتری و لند، ۱۹۹۶؛ سمپسون، ۲۰۰۱). از درون این چارچوب‌های مفهومی مدل‌های غیربازگشتی^۱ که از روابط متقابل میان بی‌نظمی، جرم و انسجام اجتماعی شکل گرفته‌اند، آزمون شده‌اند (فرارو، ۱۹۹۵؛ مارکویتز و دیگران، ۲۰۰۱؛ فرگوسن و میندل، ۲۰۰۷). اهمیت این مدل‌ها از این جهت است که می‌توانند به‌طور همزمان متغیرهای مرتبط با سطوح مختلف را وارد تحلیل کنند و اثرات متقابل متغیرهای مختلف را همزمان مورد بررسی قرار دهند.

^۱ Nonrecursive

بحث از احساس امنیت و ترس از وقوع جرم در ایران نیز، خصوصاً از دهه گذشته، مورد توجه اصحاب علوم اجتماعی قرار گرفته است. تحقیقات متعددی نیز در حوزه شناخت عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم صورت گرفته است. بخش قابل توجهی از مطالعات انجام شده به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از جرم زنان (علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵) یا احساس امنیت زنان (صادقی و میرحسینی، ۱۳۸۸؛ نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸) پرداخته‌اند. اما مسئله ترس از جرم در محلات شهری نیز دستمایه تحقیقات متعددی بوده است (ر.ک بیات، ۱۳۸۷؛ سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۹؛ ربانی و همتی، ۱۳۸۷). اما تنها معدودی از تحقیقات انجام شده (برای مثال ربانی و همتی، ۱۳۸۷ و علیخواه و نجیبی، ۱۳۸۵) از مدل‌سازی علی برای نشان‌دادن عوامل جامعه‌شناختی تبیین‌کننده ترس از جرم استفاده کرده‌اند. در مدل ربانی و همتی (۱۳۸۷)، مدل فرگوسن و میندل (۲۰۰۷) با اندک تغییراتی برای تبیین ترس از جرم در شهر زنجان با استفاده از روش معادلات رگرسیونی به کار رفته است. همان‌طور که گفته شد، اهمیت این مدل‌سازی برای تبیین ترس از جرم، وارد کردن هم‌زمان متغیرها و بررسی روابط میان آن‌هاست. برای تحقق این هدف استفاده از روش مدل‌یابی ساختاری امتیازات روشی و تکنیکی متعددی نسبت به روش‌های ساده رگرسیون چندمتغیره دارد. امتیاز این تحقیق در مقایسه با مطالعات قبلی این است که علاوه بر استفاده از یافته‌های مطالعات قبلی در تدوین مدل، از روش مدل‌یابی ساختاری برای آزمون مدل پژوهش استفاده می‌کند. این تحقیق با جرح و تعدیل مدل‌های فرگوسن و میندل (۲۰۰۷) و ربانی و همتی (۱۳۸۷)، بر اساس تحقیقات انجام شده در حوزه ترس از جرم در ایران، مدل جدیدی را برای فهم علل ترس از جرم در محله‌های شهری ارائه می‌کند. این مدل در محله جنت‌آباد شمالی واقع در منطقه ۵ شهرداری تهران آزمون شده و نتایج آن بر دستاوردهای کنونی مطالعات امنیت و ترس از جرم می‌افزاید.

۲. ادبیات نظری و مطالعات پیشین

ادبیات نظری این تحقیق بر اساس نظریه‌های سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و بزهدیدگی^۱ تدوین شده است. در این بخش به هریک از مفاهیم اصلی این تحقیق بر اساس پیشینه نظری و تجربی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲.۱. بی‌سازمانی اجتماعی

مفهوم بی‌سازمانی اجتماعی به‌طور سنتی در مطالعات جامعه‌شناختی برای بررسی جرم و ترس از جرم در مناطق شهری به کار می‌رود. در این تحقیق دو مفهوم اصلی از این نظریه، یعنی تصور از بی‌نظمی و نگرانی اجتماع^۲، برای استفاده در مدل نظری ترس از جرم استفاده شده است.

۲.۱.۱. تصور از میزان بی‌نظمی در محله

متون فراوان نشان می‌دهند که ترس از جرم در مناطقی شدت می‌یابد که مشخصه آن‌ها محرومیت اجتماعی و زیرساخت‌های ضعیف است (لاگرانژ و دیگران، ۱۹۹۲). به نحو مشابه، مطالعات نشان می‌دهد جرایم مرتبط با خشونت‌های بین فردی، عموماً در محله‌های محروم، که ویژگی اصلی آن‌ها نابرابری اقتصادی است، رخ می‌دهند (بین، ۲۰۰۰؛ سمپسون، ۲۰۰۱). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این محله‌ها بالابودن سطح بی‌نظمی در آن‌هاست. محققان به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه مثبت و معناداری میان رفتار غیرمدنی در محله (زباله ریختن، خرابکاری، ساختمان‌های متروک و غیره) و احساس خطر از جرم (فرارو، ۱۹۹۵) و همچنین ترس از جرم (می و دانوی، ۲۰۰۰؛ احمدی و دیگران، ۱۳۸۸؛ سراج‌زاده و گیلاتی، ۱۳۸۹) وجود دارد. هرچه سطح بی‌سازمانی اجتماعی و اغتشاش روانی در محله بالاتر باشد احتمال اینکه شهروندان احساس آسیب‌پذیری و نگرانی از جرم بیشتری داشته باشند بالاتر است. بر این اساس در این تحقیق فرض شده است که تصور از بی‌نظمی در محله با ترس از جرم، احساس خطر و نگرانی اجتماع ارتباط دارد.

^۱ Victimization

^۲ Community concern

۲.۱.۲. نگرانی اجتماع

یکی از مفاهیمی که از نظریه بی‌سازمانی اجتماعی برای تبیین ترس از جرم به وجود آمده است نگرانی اجتماع نام دارد. بر اساس این مفهوم، ترس از جرم به نگرانی در مورد زوال اجتماع بستگی دارد. از این نظر، هرچه پیوندهای محلی ضعیف‌تر باشد، ترس از جرم بیشتر است (کانکلین، ۱۹۷۵؛ کاوینگتن و تیلور، ۱۹۹۱). در واقع نگرانی اجتماع یکی از متغیرهای ارتباط‌دهنده بی‌نظمی و ترس از جرم در نظر گرفته می‌شود. از نظر برخی محققان وقتی مردم نشانه‌های بی‌نظمی محیطی را می‌بینند و احساس می‌کنند قبلاً وضعیت این گونه نبوده، احساس ترس در آن‌ها شکل می‌گیرد (کاوینگتن و تیلور، ۱۹۹۱). مطالعه سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۹) که دو منطقه ۳ و ۱۲ شهر تهران را مقایسه کرده‌اند، تأثیر نگرانی اجتماع بر ترس از جرم را نشان داده است. اما به نظر لین و میکر (۲۰۰۵) اگرچه بی‌نظمی و نگرانی اجتماع با یکدیگر مرتبط‌اند، باید آن‌ها را از هم تفکیک کرد. زیرا مسئله نگرانی اجتماع حتی در محیط‌هایی که دچار مسئله بی‌نظمی نیستند هم می‌تواند مطرح شود و بسیاری مطالعات آن را با متغیرهای تنوع قومی یا رشد شهرنشینی مرتبط می‌دانند. بر این اساس در این تحقیق فرض شده است که نگرانی اجتماع به بالارفتن ترس از جرم منجر می‌شود.

۲.۲. بزه‌دیدگی

بر اساس دیدگاه بزه‌دیدگی، بین تجربه بزه‌دیدگی و ترس از جرم ارتباط مستقیمی وجود دارد. در این رویکرد صرفاً بزه‌دیدگی مستقیم مورد توجه نیست، بلکه آگاهی مستمر از حوادث مرتبط با جرم و ارتباط با قربانیان جرایم و همچنین مشابهت‌های جنسی، سنی و موقعیتی با فرد قربانی و قرار گرفتن در شرایط مشابه قربانیان جرایم در افزایش ترس از جرم مؤثر است (صادقی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). بنابراین، تجربه مستقیم و مشاهده صحه بزه‌دیدگی در محل زندگی فرد می‌تواند عامل افزایش نگرانی فردی از جرم شود؛ زیرا فعالیت مجرمانه رویدادی واقعی و آشکار در ذهن فرد است و صرفاً تصویری ایجاد شده توسط رسانه‌ها و سایر نمادهای جرم در محله مانند دیوارنوشته‌ها یا خرابکاری نیست (جانستون، ۲۰۰۱). تحقیقات تجربی پیشین نشان می‌دهند بزه‌دیدگی قبلی می‌تواند تحت تأثیر شرایط محیطی در محله باشد. تعدادی از محققان استدلال کرده‌اند که تجربه بزه‌دیدگی بیشتر در محله‌هایی محتمل است که

خطر وقوع جرم در آن‌ها بالا بوده و در آن‌ها ترس از جرم به‌طور کلی بالاست (جانستون، ۲۰۰۱؛ لین، ۱۹۹۸؛ می و دانوی، ۲۰۰۰). براساس شواهد پیشین، سطح بالای بزه‌دیدگی جمعی با افزایش تدابیر پیش‌گیری‌کننده و حفاظتی، افزایش حضور پلیس در محله و همچنین سطوح بالای احساس خطر و ترس از جرم ارتباط دارد و در مقابل باعث کاهش رضایت از محله می‌شود (فرگوسن و میندل، ۲۰۰۷).

۳.۲. حضور نیروی پلیس

فرضی عمومی وجود دارد که نمایش و حضور نیروی دولتی یونیفورم‌پوش در محل مهم‌ترین عامل افزایش امنیت عمومی است (کرافورد، ۲۰۰۶). اهمیت فعالیت‌های پلیسی و شبکه‌های مختلف امور انتظامی بر احساس امنیت در بین شهروندان در بسیاری از تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته‌اند (ر.ک تاجران و کلاکی، ۱۳۸۸). در مطالعات قبلی، نگرش شهروندان به عملکرد پلیس به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده ترس از جرم تأیید شده است (ر.ک ربانی و همتی، ۱۳۸۷؛ سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۹). اما در این تحقیق به جای استفاده از متغیر رضایت از عملکرد پلیس، به متغیر میزان حضور پلیس در منطقه توجه شده است. در واقع به نظر می‌رسد یکی از مسائل اصلی امنیت در محله‌ها در حال حاضر شیوه حضور پلیس در محله است. برخی مطالعات بر تأثیر حضور ملموس و پررنگ مأموران نیروی انتظامی در کاهش ترس از جرم در فضاهای عمومی تأکید می‌کنند (عبدی و دیگران، ۱۳۸۸). اگرچه این متغیر در مدل فرگوسن و میندل (۲۰۰۷) بر مبنای تأثیر شیوه‌های پلیسی جامعه‌محور بر کاهش ترس از جرم وارد شده است، اما در اینجا بیشتر به منظور سنجش میزان تأثیر حضور فیزیکی پلیس بر ترس از جرم شهروندان تأکید می‌شود. بنابراین در این تحقیق فرض شده است که حضور محسوس پلیس در محله باعث کاهش احساس خطر و ترس از جرم می‌شود.

۴.۲. شبکه‌های حمایت اجتماعی

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در بحث ترس از جرم در محله‌های شهری بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تحقیقات نشان می‌دهد داشتن دوستانی در محیط زندگی، تعامل با همسایگان و عضویت در گروه‌ها یا کلوپ‌های محلی با کاهش ترس از جرم ارتباط دارد (هیل، ۱۹۹۶؛ هانت و بامر، ۱۹۸۲). این تحقیقات نشان می‌دهند منافع حاصل از مشارکت اجتماعی (مانند حمایت، کنترل اجتماعی، احساس تعلق و اعتماد)، در مواجهه با مسائل محلی

به افراد کمک می‌کنند و حسی از کنترل را در افراد شکل می‌دهند که موجب کاهش احساس آسیب‌پذیری می‌شود (کرانک و دیگران، ۲۰۰۳؛ لیندستروم و دیگران، ۲۰۰۳؛ کنان و پرویت، ۲۰۰۲؛ ربانی و همتی، ۱۳۸۸). مشارکت در شبکه‌های محلی همچنین ساکنان را با نشانه‌های فعالیت‌های محل نظم آشنا می‌کند و آن‌ها را در ایجاد نقشه‌های ذهنی دقیق از اماکن خطرناک و ایمن یاری می‌کند (هیل، ۱۹۹۶).

اگرچه بسیاری متون در زمینه سرمایه اجتماعی نشان می‌دهند که وجود شبکه‌های اجتماعی با کاهش ترس از جرم ارتباط دارد، شواهد متضادی نیز وجود دارد. برای مثال تامپسون و کراوس (۱۹۹۸) دریافته‌اند که حضور در شبکه‌های حمایت اجتماعی تأثیری بر کاهش احساس نگرانی و آسیب‌پذیری مرتبط با سکونت فرد در محله‌ای جرم خیز ندارد. ساکو (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که مشارکت در شبکه‌های اجتماعی احساس نگرانی افراد را در خصوص قربانی شدن توسط جرایم محله بیشتر می‌کند. با توجه به گزاره‌های نظریه سرمایه اجتماعی و یافته‌های تجربی که تأثیر مثبت شبکه‌ای اجتماعی بر بهبود وضعیت کلی را تأیید می‌کند، فرض شده است که سطح بالای شبکه‌ای اجتماعی باعث سطوح بالای رضایت از محله می‌شود. به نظر می‌رسد سطح بالای حمایت اجتماعی بر اتخاذ تدابیر حمایتی و پیش‌گیرانه تأثیر منفی داشته باشد، زیرا افراد با شبکه‌های اجتماعی بیشتر، اعتماد بیشتری به همسایگان خود دارند و بیشتر به آن‌ها متکی هستند. علی‌رغم ابهام ظاهری در خصوص تأثیر شبکه‌ای اجتماعی بر ترس از جرم فرض شده است که با توجه به نقش شبکه‌های اجتماعی در متون موجود سطح بالای حمایت اجتماعی بر ترس از جرم تأثیر منفی دارد.

۲.۵. رضایت از محله

ترس و احساس آرامش بیشتر با ادراکات ذهنی از کیفیت زندگی در محله ارتباط دارد تا اینکه مستقیماً با خود مسئله جرم رابطه داشته باشد (شافر و دیگران، ۲۰۰۶ به نقل از احمدی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۸). مک کوی و دیگران (۱۹۹۶) با ارزیابی تأثیر رضایت از محله بر ترس از جرم در میان سالمندان به این نتیجه رسیده‌اند که سطح کلی نارضایتی فرد از محیط اطراف بهترین پیش‌بینی‌کننده ترس از جرم است. به همین شکل در مطالعه‌ای در خصوص ترس از جرم در میان زنان ساکن در مناطق مسکونی عمومی، آلوی و دیگران (۲۰۰۱) دریافته‌اند که در

کنار بی‌نظمی محله، نارضایتی از محله‌ها قوی‌ترین تأثیر را بر ترس از جرم دارد. رضایت کلی (یا نارضایتی) به‌عنوان شاخص ذهنی کیفیت محله، نشان‌دهنده تصور فرد از میزان تأثیر سایر شاخص‌های عینی مانند نشانه‌های جرم، بی‌نزاکتی آشکار و بی‌نظمی محلی در ایجاد ترس در میان آنهاست. در مدل‌سازی ترس از جرم، وارد کردن رضایت از محله به‌عنوان متغیر واسط میان تصور از بی‌نظمی محله و احساس خطر و ترس از جرم می‌تواند فهم بهتری از این مطلب به ما بدهد که چرا افرادی که شرایط محیطی و ساختاری مشابهی دارند دارای سطوح متفاوتی از ترس شناختی و عاطفی از جرم هستند (فرگوسن و میندل، ۲۰۰۷).

۲.۶. احساس خطر در مورد جرم

بسیاری از تحقیقات موجود در حوزه ترس از جرم، ترس را واکنشی عاطفی^۱ و شناختی^۲ به محرک‌های مرتبط با جرم می‌دانند (فرگوسن و میندل، ۲۰۰۷). با این حال، تحقیقات متأخر میان ترس از جرم و احساس خطر به‌عنوان دو متغیر متفاوت تمایز قایل می‌شوند. در حالی که ترس از جرم به واکنش عاطفی فرد به رویدادهای مرتبط با جرم مربوط می‌شود، احساس خطر در خصوص جرم، ارزیابی شناختی فرد از مخاطرات بزه‌دیدگی و جرم در محیط اطراف خود است (فراررو، ۱۹۹۵؛ فراررو و لاگرانژ، ۱۹۸۷). تحقیقات گذشته نشان می‌دهند که سطح احساس خطر افراد در محله پیش‌بینی‌کننده خوبی برای ترس عاطفی است. مطالعات اولیه تمرکز بیشتری بر ارتباط میان متغیرهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی (جنسیت، نژاد، سن و...) و احساس خطر داشته‌اند. تأکید اصلی تحقیقات اخیر در این حوزه، تمایز مفهومی میان تصور ادراکی از خطر و ترس بالفعل از جرم است. یافته‌های آنان نشان می‌دهد احساس خطر مؤلفه پیش‌بینی‌کننده ترس از جرم بوده و ترس و خطر دو مفهوم مجزا هستند (لاگرانژ و دیگران، ۱۹۹۲؛ راتری و لند، ۱۹۹۶؛ وار، ۱۹۸۷). به همین شکل فراررو (۱۹۹۵) به این نتیجه رسیده است که احساس خطر مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده ترس از جرم است. بر اساس این نتایج، فرض شده است سطح بالای احساس خطر به سطح بالای ترس از جرم می‌انجامد.

^۱ Emotional

^۲ Cognitive

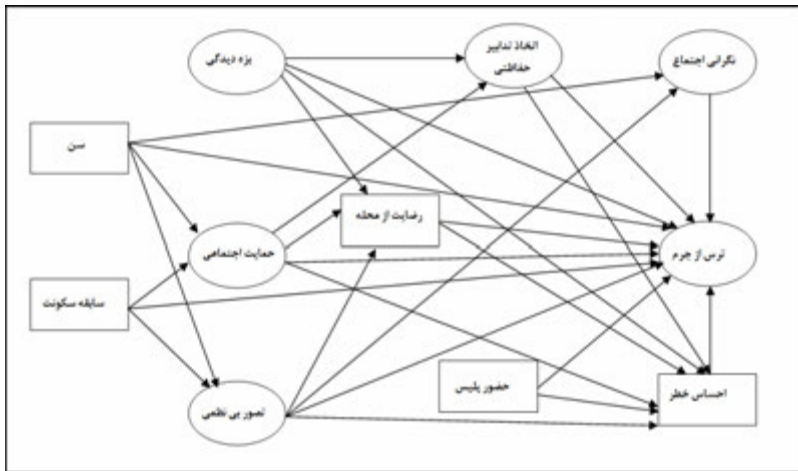
۲.۷. تدابیر پیش‌گیرانه و حفاظتی

از منظری شهروند-محور به امنیت، می‌توان گفت شهروندان محلی ممکن است نقش فعالی در کاهش سطح ترس از جرم در خود داشته باشند. با توجه به این مسئله محققان متعدد به مفهوم شهروند فعال^۱ اشاره کرده‌اند که در آن شهروندان محلی برای کاهش نگرانی خود از جرم استراتژی‌های امنیتی اتخاذ می‌کنند (جانستون، ۲۰۰۱؛ واچا و مک‌لافلین، ۲۰۰۰). نمونه‌هایی از فعالیت‌های امنیتی فعال فردی شامل حمل چاقو و شوکر به منظور دفاع از خود یا نصب تجهیزات امنیتی در منزل و خودرو (مانند دزدگیر) است. در این تحقیق فرض شده است که به کارگیری تدابیر حفاظتی و امنیتی باعث کاهش سطح ترس از جرم افراد می‌شود.

۳. مدل نظری پژوهش

با کنار هم قرار دادن عوامل مرتبط با ترس از جرم، شکل ۱ نشان‌دهنده بخش ساختاری مدل ترس از جرم شهروندان است. جهت‌های علی و فرضیات بر مبنای نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و بزه‌دیدگی و همچنین یافته‌های تجربی قبلی مشخص شده است.

شکل ۱. مدل نظری تحقیق



¹Active citizen

۴. جامعه آماری و نمونه تحقیق

داده‌های استفاده‌شده در این مطالعه از مطالعه‌ای پیمایشی در ناحیه ۷ منطقه ۵ شهرداری تهران (محلّه جنت‌آباد شمالی) به دست آمده است. هدف اصلی پیمایش مذکور شناخت ویژگی‌های منطقه برای احداث پروژه‌های عمرانی بود. با توجه به اینکه در مطالعات اولیه مسئله ترس از جرم به عنوان یکی از مسائل این محله مطرح شد، این موضوع به طور مشخص در پیمایش مورد ارزیابی قرار گرفت. مرزهای ناحیه بر اساس تقسیم‌بندی شهرداری تهران مشخص شده است. کل جامعه آماری بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، ۱۵۶/۰۵۹ نفر بوده است که برای این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران نمونه تصادفی ۳۸۶ نفره انتخاب شد. نمونه به صورت تصادفی و بر اساس بلوک‌بندی واحدهای مسکونی انتخاب و با مراجعه پرسشگران به درب واحدها پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد.

۵. نتایج تحقیق

۱. متغیرهای جمعیت‌شناختی

جمعیت نمونه این تحقیق را ۳۸۴ نفر از ساکنان منطقه ۵ شهرداری تهران تشکیل می‌دهند. ۵۲ درصد از جمعیت نمونه را زنان و ۴۸ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. ۲۲ درصد از پاسخگویان، زیر سی سال، ۳۸ درصد بین سی تا چهل سال و بقیه (۴۰ درصد) بالای چهل سال داشته‌اند. تحصیلات در حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم بوده است. ۳۹ درصد دیپلم یا کاردانی داشته‌اند و بقیه کارشناسی و بالاترند. سابقه سکونت ۲۵ درصد از پاسخگویان کمتر از ۱ سال، ۳۲ درصد بین یک تا سه سال و بقیه چهار سال بیشتر است. ۴۷ درصد از پاسخگویان مالک خانه و ۴۴ درصد مستأجرند.

۲. برازش مدل تحقیق

برای آزمون صحت مدل نظری تحقیق و محاسبه ضرایب تأثیر از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری به وسیله نرم‌افزار آموس^۱ استفاده شده است. مدل‌یابی معادلات ساختاری تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار قدرتمندی از خانواده رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر بسط

^۱ AMOS 18

”مدل خطی کلی“^۱ است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را همزمان مورد آزمون قرار دهد. در حقیقت روش مدل‌یابی معادله ساختاری رویکردی قدرتمند برای آزمون روابط میان متغیرهای پنهان و پنهان است. از مزیت‌های این روش می‌توان به امکان استفاده همزمان از چندگویه برای ساخت یک متغیر، محاسبه خطای اندازه‌گیری و امکان بررسی مدل‌های علی پیچیده اشاره کرد. این قابلیت‌ها باعث می‌شود تا بسیاری از محققان استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری را به روش‌های رگرسیونی متعارف ترجیح دهند. آزمون مدل‌ها در این روش در دو مرحله انجام می‌شود؛ در مرحله اول با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مدل اندازه‌گیری مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله بعد، صحت مدل علی مورد آزمون قرار می‌گیرد. در قسمت بعد نتایج این دو مرحله آمده است.

۵. ۲. ۱. تحلیل عاملی تأییدی

در تحلیل عاملی تأییدی^۲ پژوهشگر به دنبال ارزیابی مدل اندازه‌گیری پیشنهادی است. تحلیل عاملی تأییدی تکنیکی است که نشان می‌دهد تا چه میزان تخصیص گویه‌ها به متغیرهای پنهان با داده‌های جمع‌آوری شده تطابق دارد. تحلیل عاملی تأییدی مدل اندازه‌گیری را بر اساس تک‌بعدی بودن،^۳ روایی و پایایی مفاهیم ارزیابی می‌کند (براون، ۲۰۰۶).

بررسی تک‌بعدی بودن با آزمون برازش مدل^۴ انجام می‌شود (گارور و منتزر، ۱۹۹۹). در این تحقیق، برازش مدل بر اساس معیارهای نسبت کای اسکوئر (χ^2) به درجه آزادی (df)، ضریب برازش بهنجار شده^۵ (NFI)، شاخص نکویی برازش^۶ (GFI)، ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب^۷ (RMSEA) و ریشه میانگین باقی‌مانده استاندارد شده^۸ (SRMR) تعیین شده است (برای بحث بیشتر در مورد نحوه انتخاب معیارهای برازش ر.ک هیر^۹ و دیگران، ۲۰۰۶).

¹ General linear model

² Confirmatory factor analysis

³ Unidimensionality

⁴ Goodness -of-fit

⁵ Normed Fit Index

⁶ Goodness-of-Fit Index

⁷ Root Mean Square Error of Approximation

⁸ Standardized Root Mean Residual

⁹ Hair

مدل نظری تحقیق بر اساس شش متغیر پنهان و شش متغیر آشکار تدوین شده است. بر این اساس مدل اندازه‌گیری بر اساس شش متغیر پنهان شکل گرفته و آزمون شده است. مدل اندازه‌گیری اولیه بر اساس شاخص‌هایی مانند بار عاملی گویه‌ها، شاخص تغییر^۱ و مقدار باقی‌مانده استاندارد^۲ در چند مرحله اصلاح شده است. در نتیجه این تغییرات در مدل اندازه‌گیری دو گویه از مدل حذف شده‌اند. ضرایب مربوط به برازش مدل اندازه‌گیری نهایی در جدول زیر آمده است.

جدول ۱. نتایج برازش مدل اندازه‌گیری اصلاح شده

2χ	df	$\frac{\chi^2}{df}$	GFI	NFI	RMSEA	SRMR
۶۷۸/۶	۲۶۰	۲/۶۱	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۰۶۲	۰/۰۶۳

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی کمتر از ۳ است و نشان می‌دهد مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. همچنین شاخص‌های GFI و NFI نیز با توجه به آستانه پذیرش ۰/۹ در وضعیت مناسبی قرار دارند. مدل از نظر دو شاخص RMSEA و SRMR برازش مناسبی دارد و هر دوی این شاخص‌ها پایین‌تر از آستانه پذیرش ۰/۰۸ هستند. بنابراین مجموع شاخص‌های برازش ذکر شده مدل اندازه‌گیری تحقیق را تأیید می‌کنند.

از سوی دیگر، میزان پایایی سازه بر اساس پایایی گویه^۳ (مجذور همبستگی چندگانه)، پایایی مرکب^۴ و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) محاسبه شده است. این مقادیر در جدول ۲ آمده‌اند.

^۱ Modification Index

^۲ Standard residual

^۳ Item reliability

^۴ Composite reliability

مطالعه عوامل مؤثر بر ترس از جرم در محله‌های شهری

جدول ۲. بار عاملی، پایایی گویه، پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراج شده برای مدل اندازه‌گیری اصلاح شده

شماره گویه	متغیر پنهان	گویه	بار عاملی	پایایی گویه ^x	CR ^{*x}	AVE ^{xxx}
Q6	نگرانی اجتماع	تغییر میزان جرم در محله	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۷۱	۰/۵۵
Q7		تغییر میزان مزاحمت و بی‌نظمی در محله	۰/۸۰	۰/۶۵		
Q8		تغییر میزان امنیت و آرامش در محله	۰/۶۹	۰/۴۹		
Q9		تمایل به ماندگاری	۰/۷۳	۰/۵۴		
Q10	تجربه بزه‌دیدگی				۰/۸۱	۰/۶۷
		تجربه قربانی‌شدن سرقت و دزدی	۰/۷۸	۰/۶۱		
Q11		تجربه قربانی‌شدن سرقت توأم با خشونت فیزیکی	۰/۸۱	۰/۶۶		
Q12		تجربه قربانی‌شدن مزاحمت و تعرض جنسی	۰/۸۴	۰/۷۱		
Q13		تجربه قربانی‌شدن تهدید فیزیکی	۰/۸۴	۰/۷۱		
Q14	شبکه‌های حمایت اجتماعی				۰/۷۲	۰/۵۶
		مراقبت از خانه همسایه در زمان غیبت همسایه	۰/۸۸	۰/۷۷		
Q16		مراقبت از خانه توسط همسایه در زمان غیبت پاسخگو	۰/۷۴	۰/۵۵		
Q17		رفت و آمد با همسایه‌ها	۰/۶۴	۰/۴۱		
Q19		اعتماد به همسایه‌ها	۰/۷۲	۰/۵۲		
Q20	تدابیر حفاظتی و پیشگیرانه				۰/۷۷	۰/۶۴
	حمل چاقو یا شوکر در خارج از خانه	۰/۸۴	۰/۷۱			

		۰/۶۳	۰/۷۹	نصب دزدگیر برای خانه		Q21
		۰/۵۱	۰/۷۱	نصب دزدگیر برای خودرو		Q22
		۰/۷۰	۰/۸۴	استفاده از قفل‌های اضافی یا حفاظ پنجره		Q23
						Q26
		۰/۶۵	۰/۸۰	ترس از حمله فیزیکی، زورگیری یا اخاذی	ترس از جرم	
۰/۷۵	۰/۸۶	۰/۷۴	۰/۸۶	ترس از دزدی از منزل		Q27
		۰/۸۲	۰/۹۱	ترس از سرقت خودرو یا لوازم آن		Q28
		۰/۷۶	۰/۸۷	ترس از تعرض به کودکان		Q29
		۰/۸۰	۰/۸۹	ترس از تردد در معابر در شب		Q30
						Q2.5
		۰/۶۹	۰/۸۳	تجمع افراد و جوانان در معابر	تصور از بی‌نظمی	
۰/۷۶	۰/۸۶	۰/۵۴	۰/۷۳	تجمع معتادان در پارک‌ها و معابر		Q2.6
		۰/۶۵	۰/۸۰	ریختن زباله در محل		Q2.7
		۰/۴۷	۰/۶۸	وجود خانه‌های نیمه‌کاره و زمین‌های رها شده		Q2.8
<p>× منظور از پایایی گویه، مجذور بار عاملی هر گویه است. ×× روایی مرکب ××× میانگین واریانس استخراج شده</p>						

مجذور بار عاملی نشان‌دهندهٔ مقداری از واریانس هر گویه است که توسط مفهوم ساخته‌شده توضیح داده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، برای تمامی گویه‌ها بجز گویه‌های Q7، Q17 و Q2.8، این مقدار بالاتر از آستانهٔ قابل پذیرش یعنی ۰/۵ (بولن، ۱۹۸۹) است. بنابراین، در مجموع گویه‌ها پایایی قابل قبولی دارند. مقدار روایی مرکب نیز برای تمام مفاهیم ساخته‌شده بالاتر از ۰/۶ (آبرت و دیگران، ۱۹۹۶) بوده و لذا مفاهیم ساخته‌شده از صحت قابل قبولی برخوردارند. یکی دیگر از شاخص‌های سنجش پایایی

مفاهیم، مقدار واریانس استخراج شده است که آستانه پذیرش آن را عموماً ۰/۵ در نظر می‌گیرند (فرنل و لارکر، ۱۹۸۱). همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، مقادیر واریانس استخراج شده بر شش مفهوم از ۰/۵۵ تا ۰/۷۶ تغییر می‌کند و همگی بالاتر از آستانه مورد قبول قرار دارند.

روایی مفاهیم نیز با روش‌های مختلف بررسی شده است. با توجه به اینکه ابزار سنجش در این تحقیق از طریق بررسی مطالعات پیشین و بازبینی از سوی کارشناسان متعدد طراحی شده است، روایی صوری و محتوای آن پذیرفتنی است. به‌علاوه از طریق تحلیل عاملی تأییدی نیز روایی سازه مفاهیم قابل سنجش است. این کار با محاسبه روایی همگرا^۱ (گویه‌های یک متغیر پنهان تا چه اندازه مفهوم مورد نظر آن متغیر را می‌سنجند) و روایی افتراقی^۲ (تا چه اندازه گویه‌های یک شاخص مفاهیم دیگر را اندازه‌گیری نمی‌کنند) انجام می‌شود.

روایی همگرا زمانی تأیید می‌شود که بار عاملی معنادار و بالاتر از آستانه معناداری ۰/۷۰ باشد (هیر و دیگران، ۲۰۰۶؛ بیرن، ۲۰۰۱). در تحلیل عاملی انجام شده، بار عاملی برای تمام گویه‌ها با توجه به مقدار آماره تی معنادار به‌دست آمده است. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بار عاملی گویه‌های Q7 و Q17 و Q2.8 پایین‌تر از آستانه مورد قبول (۰/۷) قرار دارد. اما هیر (۲۰۰۶) معتقد است تا زمانی که برآزش کلی مدل پذیرفتنی باشد، آستانه ۰/۵ برای بار عاملی گویه‌ها نیز مورد پذیرش است. با احتساب این قاعده، می‌توان نتیجه گرفت بار عاملی تمامی گویه‌ها بالاتر از آستانه استاندارد قرار دارد و بنابراین روایی همگرایی مدل تأیید می‌شود.

روش ارزیابی روایی و اگرایی مفاهیم نیز مقایسه میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مفهوم با مجذور همبستگی بین این متغیر و سایر متغیرهاست (فرنل و لارکر، ۱۹۸۱). روایی و اگرایی زمانی تأیید می‌شود که میانگین واریانس استخراج شده از مجذور همبستگی متغیر با سایر متغیرها بیشتر باشد. این مقادیر در جدول زیر آمده است.

¹ Convergent validity

² Discriminant validity

جدول ۳. مقادیر واریانس استخراج شده و مجذور همبستگی متغیرها با یکدیگر

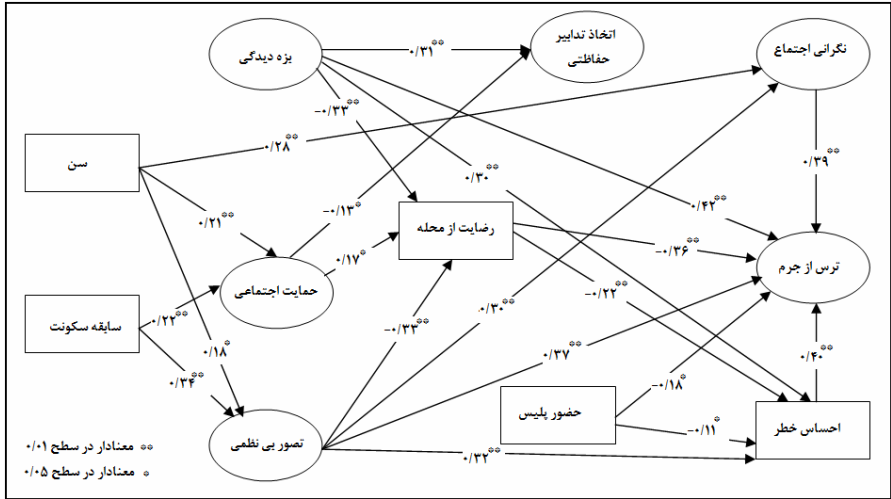
متغیرها	نگرانی اجتماعی	بزه‌دیدی	حمایت اجتماعی	بی‌نظمی	تدابیر حفاظتی	ترس از جرم
نگرانی اجتماعی	۰/۵۵					
بزه‌دیدی	۰/۱۷	۰/۶۷				
حمایت اجتماعی	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۵۶			
بی‌نظمی	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۷۶		
تدابیر حفاظتی	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۶۴	
ترس از جرم	۰/۱۴	۰/۲۳	۰/۰۸	۰/۲۲	۰/۱۰	۰/۷۵

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار مجذور همبستگی هر متغیر با سایر متغیرها از واریانس استخراج‌شده آن مفهوم کمتر بوده و بنابراین روایی و اگرای مفاهیم ساخته‌شده تأیید می‌شود.

۵. ۲. ۲. برازش مدل نهایی

با توجه به اصلاحات انجام‌شده در مدل اندازه‌گیری، مدل نهایی تحقیق با استفاده از نرم‌افزار برازش شده که در شکل زیر نتایج آن قابل مشاهده است. البته در شکل ۲ تنها ضرایب مسیر مربوط به روابط معنادار نشان داده شده است.

شکل ۲. مدل نهایی تحقیق



همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بجز شاخص GFI سایر شاخص‌ها در سطح مطلوب قرار دارند. از آنجا که مدل با هم تغییر قراردادن^۱ خطای متغیرها بدون توجیه نظری توصیه نمی‌شود (بیرن، ۲۰۰۱)، در اصلاح مدل نظری تحقیق از این کار اجتناب شده است. با توجه به اینکه NFI در سطح مطلوبی قرار دارد و فاصله GFI تا آستانه ۰/۹ اندک است، برازندگی مدل نتیجه‌گیری شده است. بنابراین می‌توان گفت مدل علی برآزش شده برای سنجش عوامل ترس از جرم مدل برازنده‌ای است.

جدول ۴. نتایج برازش مدل ساختاری تحقیق

χ^2	df	$\frac{\chi^2}{df}$	GFI	NFI	RMSEA	SRMR
۱۰۶۲/۶	۳۸۵	۲/۷۶	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۰۵۹	۰/۰۶۲

با توجه به برازش مناسب مدل، ضرایب مسیر به دست آمده در مدل به همراه ضرایب غیرمستقیم محاسبه شده و در جدول ۵ آمده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، تصور از

^۱ Specification of covariance

بی‌نظمی، احساس خطر و رضایت از محله بیشترین تأثیر را بر ترس ساکنان محله از جرم دارند. در ادامه، تمام متغیرهای وارد شده در مدل به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جدول ۵. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر ترس از جرم

میزان تأثیر			متغیر
اثر کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰/۶۸	۰/۲۶	۰/۴۲	بزه‌دیدگی
۰/۷۶	۰/۳۹	۰/۳۷	تصور از بی‌نظمی
-۰/۲۲	-۰/۰۴	-۰/۱۸	حضور پلیس
-۰/۰۸	-۰/۰۸	۰/۰۰	شبکه حمایت اجتماعی
-۰/۴۵	-۰/۰۹	-۰/۳۶	رضایت از محله
۰/۴۰	۰/۰۰	۰/۴۰	احساس خطر
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	اتخاذ تدابیر حفاظتی
۰/۳۹	۰/۰۰	۰/۳۹	نگرانی اجتماع
۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۰۰	سابقه سکونت
۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۰۰	سن
۰/۵۷ = مجذور آر			

۳.۵. بررسی فرضیات تحقیق

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از برازش مدل نظری تحقیق و بر اساس معناداری روابط میان متغیرها، فرضیات تحقیق با توجه به هر متغیر اصلی بررسی شده‌اند که نتایج آن در زیر آمده است.

۳.۵.۱. بزه‌دیدگی

همان‌گونه که در مدل اولیه فرض شده بود، بزه‌دیدگی تأثیر مثبت و معناداری بر اتخاذ تدابیر حفاظتی پیش‌گیرانه (۰/۳۱)، احساس خطر (۰/۳۰) و ترس از جرم (۰/۴۲) دارد و تأثیر منفی و معناداری بر رضایت از محله (-۰/۳۳) دارد. با توجه به جدول ۵ می‌توان گفت بزه‌دیدگی ارتباط بیشتری با ترس عاطفی از جرم دارد تا اینکه به احساس شناختی از خطر مرتبط باشد و از این نظر نتایج تحقیق فرگوسن و میندل (۲۰۰۷) در این مطالعه تأیید نمی‌شود. از سوی دیگر بزه‌دیدگی تأثیر منفی و معناداری بر رضایت از محله دارد؛ این رابطه منفی تأییدکننده یافته‌های

تجربی قبلی است که به تأثیر بزه‌دیدگی بر کاهش رضایت محیطی اشاره دارند. بنابراین بزه‌دیدگی از طریق کاهش رضایت از محله و افزایش احساس خطر به‌طور غیرمستقیم بر ترس از جرم اثر دارد که مجموع کل تأثیر آن بر ترس از جرم را $0/68$ می‌رساند. در این تحقیق تأثیر بزه‌دیدگی بر نگرانی اجتماع و حضور پلیس معنادار به‌دست نیامده است.

۵. ۳. ۲. تصور از بی‌نظمی در محله

نتایج نشان می‌دهد سطح بالای تصور از بی‌نظمی در محله با سطح بالای احساس خطر و ترس از جرم ارتباط دارد. ضریب مسیر متغیر تصور از بی‌نظمی در احساس خطر $0/32$ ، در ترس از جرم $0/37$ و هر دو در سطح $0/01$ معنادار است. از سوی دیگر، اثر تصور از بی‌نظمی بر رضایت از محله منفی و معنادار است ($-0/33$). این بدان معناست که افزایش تصور از بی‌نظمی در محله در ذهن شهروندان، به کاهش رضایت آن‌ها از محله و افزایش احساس خطر و ترس از جرم منجر می‌شود. در واقع، مهم‌ترین نکته این است که لزوماً جرم عامل ایجاد ترس از جرم در محله‌ها نیست، بلکه اشکال مختلف بی‌نظمی محیطی عامل کاهش رضایت ساکنان از محله و احساس خطر و ترس در آن‌هاست. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مجموع اثر غیرمستقیم تصور از بی‌نظمی بر ترس از جرم $0/76$ است و از حیث اثر کل بالاتر از سایر متغیرها قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت این تحقیق یافته‌های قبلی را در مورد ارتباط میان بی‌نظمی و احساس خطر و ترس از جرم تأیید می‌کند و تصور از بی‌نظمی را مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده ترس از جرم نشان می‌دهد. از سوی دیگر برخلاف یافته‌های فرگوسن و میندل (2007) ارتباط میان بی‌نظمی و حضور پلیس معنادار به‌دست نیامده است.

۵. ۳. ۳. حضور پلیس

نتایج نشان می‌دهد حضور پلیس در محله بر کاهش احساس ترس از جرم شهروندان مؤثر است. ضریب مسیر میان حضور پلیس و احساس ترس از جرم $-0/18$ بوده و در سطح $0/05$ معنادار است. از سوی دیگر، حضور پلیس باعث کاهش احساس ترس از خطر شده و از این طریق به‌طور غیرمستقیم به کاهش ترس از جرم منجر می‌شود. در این تحقیق اثر کل حضور پلیس بر ترس از جرم $-0/22$ - به‌دست آمده است. بنابراین یافته‌های این تحقیق فرضیه ارتباط میان حضور پلیس و احساس خطر و ترس از جرم را تأیید می‌کند.

۵. ۳. ۴. حمایت اجتماعی

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، وجود شبکه‌های حمایت اجتماعی با رضایت بیشتر از محله و استفاده کمتر از تدابیر حفاظتی و پیش‌گیرانه در ارتباط است. ضرایب استاندارد مسیر در مورد متغیر شبکه‌های حمایت اجتماعی با رضایت از محله ۰/۱۷ و با تدابیر حفاظتی و پیش‌گیرانه ۰/۱۳- است که هر دو در سطح ۰/۰۵ معنادار هستند. به‌علاوه، نتایج نشان می‌دهد وجود شبکه‌های حمایت اجتماعی تأثیر معناداری بر ترس از جرم ندارد. یک دلیل این مسئله ممکن است این موضوع باشد که وجود شبکه‌های اجتماعی در درون محله در کنار اثرات مهم حمایتی که برای افراد دارد، باعث انتشار غیررسمی اخبار حوادث در محله می‌شود و از این طریق ترس از جرم را افزایش می‌دهد. بنابراین در این تحقیق متغیر شبکه‌های حمایت اجتماعی تنها از طریق غیرمستقیم اثر اندکی (۰/۰۸-) بر کاهش جرم دارد و نمی‌توان بر اساس آن یافته‌های پیشین را در مورد اهمیت شبکه‌های اجتماعی بر کاهش ترس از جرم تأیید کرد.

۵. ۳. ۵. رضایت از محله

رضایت از محله تأثیر منفی و معناداری بر احساس خطر و ترس از جرم دارد. ضرایب استاندارد مسیر از رضایت به احساس خطر ۰/۲۲-، به ترس از جرم ۰/۳۶- و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. این تحقیق تأییدکننده یافته‌های قبلی است که نشان می‌دادند سطح کلی نارضایتی محلی عامل مناسبی برای پیش‌بینی ترس از جرم است. این یافته نیز تأییدکننده این واقعیت است که ترس از جرم تحت تأثیر عوامل محیطی متعددی است که لزوماً به جرم منحصر نمی‌شوند. بنابراین این تحقیق یافته‌های پیشین را در خصوص ارتباط میان رضایت از محله و ترس از جرم تأیید می‌کند.

۵. ۳. ۶. احساس خطر در مورد جرم

احساس خطر ارتباط مثبت و معناداری بر ترس از جرم دارد و ضریب استاندارد مسیر آن ۰/۴۰ و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. میزان تأثیر احساس خطر بر ترس از جرم در جایگاه چهارم متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، پس از تصور بی‌نظمی، بزه‌دیدگی و رضایت از محله قرار می‌گیرد.

۵. ۳. ۷. نگرانی اجتماع

همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است، سطح بالاتر نگرانی اجتماع به افزایش ترس از جرم منجر می‌شود. ضریب استاندارد این مسیر ۰/۳۹ و در سطح ۰/۰۱ معنادار به دست آمده است.

نگرانی اجتماع عمدتاً تحت تأثیر سن افراد است و کسانی که مسن‌ترند بیشتر از جوانان وضعیت محله خود را رو به وخامت می‌بینند. ضریب مسیر میان سن و نگرانی اجتماع ۰/۲۸ و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. نتایج نشان می‌دهد که تصور از بی‌نظمی تأثیر چشمگیری بر نگرانی اجتماع دارد. هرچه اشکال مختلف بی‌نظمی بیشتر باشد، مردم بیشتر حس می‌کنند وضعیت محله‌شان رو به وخامت است.

۵.۳.۸. تدابیر حفاظتی و پیش‌گیرانه

با اینکه در ابتدا فرض شده بود میان اتخاذ تدابیر امنیتی و ترس جرم ارتباط وجود دارد، نتایج تحقیق نشان می‌دهد میان استفاده از این تجهیزات و ترس از جرم ارتباط معناداری وجود ندارد. با اینکه تجربه بزه‌دیدگی مهم‌ترین تبیین‌کننده اتخاذ این شیوه‌هاست، بر اساس یافته‌های این تحقیق استفاده از این ابزار و تمهیدات نمی‌تواند به کاهش ترس از جرم افراد منجر شود.

۵.۳.۹. متغیرهای کنترل

سن افراد یکی از عوامل تعیین‌کننده نگرانی اجتماع، برخورداری از شبکه‌های حمایت اجتماعی و تصور بالای بی‌نظمی در محله است. به‌طور کلی، افراد مسن‌تر احساس می‌کنند وضعیت محله‌شان از قبل بدتر شده است (۰/۲۸)، بیشتر برای امنیت خود به همسایگان وابسته‌اند (۰/۲۱) و تصور می‌کنند بی‌نظمی زیادتری در محله‌شان وجود دارد (۰/۱۸). اثر کل متغیر سن بر ترس از جرم ۰/۱۹ به دست آمده است و نشان می‌دهد در مجموع سالمندان بیشتر از جرم هراس دارند. اثر متغیر سابقه سکونت بر شبکه‌های حمایت اجتماعی ۰/۲۲ و بر تصور از بی‌نظمی ۰/۳۴ و در سطح ۰/۰۱ معنادار به دست آمده است. اما میان سابقه سکونت با سایر متغیرها ارتباط معناداری وجود ندارد. اثر کل سابقه سکونت بر ترس از جرم ۰/۱۹ است و نشان می‌دهد قدیمی‌ترها بیشتر احساس ترس از جرم دارند.

بحث

هدف اصلی این تحقیق تدوین بهترین مدل برای اندازه‌گیری ترس از جرم در محله‌های شهری بوده است. مجموعه‌ای از متغیرها بر اساس مطالعات پیشین وارد مدل شده و ارتباط میان آن‌ها با ترس از جرم به‌عنوان متغیر وابسته سنجیده شده است. متغیرهای مستقل عمدتاً از نظریات

بزه‌دیدگی، سرمایه اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی استخراج شدند و سعی شد تا مدلی جامع برای تبیین ترس از جرم تدوین شود. نتایج نشان می‌دهد این مدل ۵۷ درصد از واریانس ترس از جرم را تبیین می‌کند که عدد قابل قبولی به نظر می‌رسد.

بر اساس نتایج این تحقیق، بیشترین تأثیر بر ترس از جرم به متغیر تصور بی‌نظمی تعلق دارد. این مطلب یافته‌های قبلی (می و دانوی، ۲۰۰۰؛ احمدی و دیگران، ۱۳۸۸؛ سراج‌زاده و گیلانی، ۱۳۸۹) را در مورد وجود رابطه قوی میان بی‌نظمی محیطی و ترس از جرم تأیید می‌کند. البته در آمریکا تأکید بر این متغیر به‌عنوان مهم‌ترین عامل ترس از جرم بیشتر از سوی نومحافظه‌کاران برای افزایش شدت کنترل اجتماعی و میزان دخالت پلیس مطرح می‌شود، اما در این تحقیق تأثیر قابل توجه این عامل انکارناپذیر است. به نظر می‌رسد بسیاری از ساکنان محله حساسیت زیادی به بی‌نظمی‌های قابل مشاهده در محیط زندگی خود دارند؛ مانند تجمع جوانان در معابر، پرسه زدن افراد معتاد یا وجود ساختمان‌های نیمه‌کاره و زمین‌های رهاشده. این اشکال بی‌نظمی محیطی تأثیر قابل توجهی بر سطح ترس از جرم آن‌ها دارد. البته در این تحقیق تأثیر بزه‌دیدگی قبلی بر احساس ترس نیز قابل توجه است و در رده دوم قرار می‌گیرد. ارتباط میان بزه‌دیدگی و ترس از جرم قبلاً در مطالعات فراوانی نشان داده شده است. اما آنچه در اینجا اهمیت می‌یابد، قرار گرفتن این متغیر در رده دوم نسبت به بزهکاری است. اما شاید نکته اصلی شیوه برخورد با بی‌نظمی و جرم برای کاهش سطح ترس از جرم در محله‌های شهری باشد. با اینکه امروز در کشورهای صنعتی از پلیس اجتماع-محور و مشارکت مردمی سخن به میان آورده می‌شود، به نظر می‌رسد در ایران و در غیاب ظرفیت‌های لازم برای مشارکت مردمی در حوزه امنیت محله، حضور محسوس پلیس کماکان نقش محوری داشته باشد. نتایج این تحقیق نیز ارتباط میان حضور محسوس پلیس و کاهش سطح ترس از جرم شهروندان را تأیید می‌کند؛ اگرچه به لحاظ آماری این رابطه قوی به‌دست نیامده است.

نتایج این تحقیق یافته‌های قبلی (هیل، ۱۹۹۶؛ هانترو و بامر، ۱۹۸۲؛ فرگوسن و میندل، ۲۰۰۷) میان شبکه‌های حمایت اجتماعی و ترس از جرم را تأیید نمی‌کند؛ اما تأثیر غیرمستقیم اندکی را میان این دو متغیر از طریق متغیر واسط رضایت از محله نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد عدم معناداری ارتباط میان متغیر شبکه‌های حمایت جمعی و ترس از جرم - علاوه بر نقش تبادل اطلاعات که قبلاً در مورد آن صحبت شد - به نوعی ناشی از غیبت چیزی باشد که

سپسون و دیگران (۱۹۹۷) آن را کارایی جمعی می‌خوانند. در واقع کارایی جمعی حاصل اعتماد شهروندان به یکدیگر، انتظارات جمعی مشترک و تلاش جمعی آن‌ها برای اعمال کنترل اجتماعی در محله است. در غیاب چنین سازوکارهایی کل فرایند حفظ نظم و امنیت به دوش نهادهای انتظامی است و عملاً بار سنگینی برای فعالیت‌های روزانه آن‌ها ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد بسترسازی برای مشارکت مردمی در امر تأمین امنیت محله‌های شهری بتواند نقش مؤثری، به‌ویژه در کاهش بی‌نظمی در محله‌ها و به دنبال آن کاهش سطح ترس از جرم، داشته باشد. بنابراین، با توجه به فراهم نبودن زمینه‌های فعالیت گروهی شهروندان برای حفظ نظم محله‌ها، حضور پلیس کماکان یکی از عوامل مهم احساس امنیت شهروندان به حساب می‌آید. اگرچه تأثیر این متغیر بر کاهش ترس از جرم اندک به‌دست آمده است، به هر حال، کماکان گشت پلیس در محله تأثیر مهمی بر کاهش سطح ترس از جرم شهروندان دارد.

در این تحقیق، رضایت از محله یکی از عوامل تأثیرگذار بر ترس از جرم بود و به‌طور کلی، پس از تلقی از بی‌نظمی و بزه‌دیدگی، بیشترین تأثیر را بر سطح ترس از جرم شهروندان داشت. تأثیر این متغیر بر سطح ترس از جرم در حدود سه‌برابر چیزی به‌دست آمد که در تحقیق ربانی و همتی (۱۳۸۷) محاسبه شده است. بنابراین، به اعتقاد ما بر اساس نتایج تحقیق، رضایت کلی از محله - که لزوماً فقط متأثر از تلقی از میزان وقوع جرم در محله نیست - اهمیت فراوانی در میزان ترس از جرم شهروندان دارد. این یافته همراه با اهمیت متغیر بی‌نظمی، که قبلاً به آن اشاره شد، اهمیت فراوان شرایط محیطی محله‌ها را در شکل‌گیری ترس از جرم در محله‌های شهری نشان می‌دهد. وجود بی‌نظمی‌های محیطی یکی از عوامل نارضایتی ساکنان محله و عامل شکل‌گیری چیزی است که در این تحقیق نگرانی اجتماعی خوانده شد. اثر معنادار نگرانی اجتماعی با سطح ترس از جرم با یافته‌های سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۹) منطبق است. نکته قابل توجه این است که افراد مسن‌تر بیشتر درباره زوال اجتماع محلی خود احساس نگرانی می‌کنند و سطح نگرانی اجتماعی در آن‌ها بالاتر است.

یکی دیگر از نکات مهم در این تحقیق فقدان رابطه معنادار میان اتخاذ تدابیر حفاظتی با سطح ترس از جرم است. در واقع از یک سو عاملیت جمعی در قالب شبکه‌های حمایت اجتماعی برای کنترل اجتماعی بیشتر بر محله وجود ندارد و از سوی دیگر تلاش‌های فردی

شهروندان برای حفاظت از خود نیز نمی‌تواند به کاهش سطح ترس از جرم آن‌ها بدل شود. شاید یک مدل‌سازی بازگشتی بیشتر بتواند رابطه میان ترس از جرم و اتخاذ تدابیر دفاعی را بسنجد؛ زیرا جهت رابطه میان این دو متغیر می‌تواند برعکس چیزی باشد که در این تحقیق در نظر گرفته شده است؛ یعنی احتمالاً کسانی که بیشتر می‌ترسند بیشتر از شیوه‌های مختلف برای دفاع از خود استفاده می‌کنند و البته لزوماً این کار باعث کاهش ترس از جرم آن‌ها نمی‌شود. بنابراین، باید توجه کرد که اگرچه فعالیت‌هایی که مستقیماً ویژگی امنیتی دارند (مانند حضور محسوس پلیس) می‌توانند در کاهش ترس از جرم شهروندان مؤثر باشند، اهمیت عوامل محیطی و نظم دیداری محلات را نباید نادیده گرفت. در واقع کاهش سطح ترس از جرم در محله‌ها نیازمند فعالیت سایر نهادهای خدماتی و همچنین شکل‌گیری بسترهای لازم برای مشارکت عمومی شهروندان در تأمین امنیت است.

منابع

- احمدی، حبیب، مریم سروش و حسین افراسیابی (۱۳۸۸) «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۳۴: ۸۰-۶۵.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷) «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی)»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۵: ۱۳۲-۱۱۵.
- تاجران، عزیزالله و حسن کلاکی (۱۳۸۸) «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال چهارم، شماره ۴: ۵۸۶-۵۶۱.
- ربانی، رسول و رضا همتی (۱۳۸۷) «تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم؛ مطالعه موردی: شهروندان زنجان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴: ۸۸-۵۸.
- سراج‌زاده، حسین و اشرف گیلانی (۱۳۸۹) «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۴: ۲۴۵-۲۲۳.
- صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۸۸) «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۷، شماره ۳۶: ۱۵۲-۱۲۵.

- عبدی، توحید، جعفر شرافتی پور و غلامرضا سجادی (۱۳۸۸) «تأثیر عملکرد پلیس اجرائیات در افزایش احساس امنیت شهروندان مراجعه کننده به بوستان‌های تهران»، فصلنامه مدیریت انتظامی، سال چهارم، شماره ۴: ۶۰۰-۵۸۷.
- علیخواه، فردین و مریم نجیبی (۱۳۸۵) «زنان و ترس از جرم در فضاهاى شهری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۷: ۱۰۹-۱۳۱.
- نوروزی، فیض‌الله و سارا فودلادی سپهر (۱۳۸۸) «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، فصلنامه راهبرد، سال ۱۸: ۱۵۹-۱۲۹.
- Alvi, S., M. D. Schwartz, W. S. DeKeseredy, & M. O. Maume (2001) "Women's Fear of Crime in Canadian Public Housing", *Violence against Women*, 7: 638-661.
- Aubert, B., S. Rivard & M. Patry (1996) "Development of Measures to Assess Dimensions of IS Operation Transactions", *Omega*, 24 (6): 661-680.
- Bollen, K. A. (1989) *Structural Equations with Latent Variables*, New Jersey: Wiley-Interscience Publication.
- Brown, T. A. (2006) *Confirmatory Factor Analysis for Applied Research*, New York: The Guildford Press.
- Byrne, B. M. (2001) *Structural Equation Modeling with AMOS: Basic Concepts, Applications and Programming*, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
- Conklin, John E. (1975) *The Impact of Crime*, New York: Macmillan.
- Covington, Jeanette, & Ralph B. Taylor (1991) "Fear of Crime in Urban Residential Neighborhoods: Implications of Between- and Within-Neighborhood Sources for Current Models". *The Sociological Quarterly*, 32: 231-49.
- Crawford, Adam (2006) "Fixing Broken Promises?: Neighbourhood Wardens and Social Capital", *Urban Studies*, 43: 957-976.
- Crank, J. P., A. Giacomazzi & C. Heck (2003) "Fear of Crime in a Nonurban Setting", *Journal of Criminal Justice*, 31: 249-264.
- Ferguson, K. M. & C. H. Mindel (2007) "Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory", *Crime Delinquency*, 53: 322-349.

- Ferraro, K. F. (1995) *Fear of Crime; interpreting victimization risk*, Albany: State University of New York Press.
- Ferraro, k. and R. LaGrange (1987) "The Measurement of Fear of Crime", *Sociological Inquiry*, 57: 70-101.
- Fornell, C., & F. D. Larcker (1981) "Evaluating Structural Equation Models with Unobservable Variables and Measurement Error", *Journal of Marketing Research*, 18 (1): 39-50.
- Garver, M. S., & J. T. Mentzer (1999) "Logistics Research Methods: Employing Structural Equation Modeling to Test for Construct Validity", *Journal of Business Logistics*, 20 (1): 33-57.
- Hair, J. F. Jr., W. C. Black, B. J. Babin, R. E. Anderson, & R. L. Tatham (2006) *Multivariate Data Analysis*, Upper Saddle River, NJ: Pearson/Prentice Hall.
- Hale, C. (1996) "Fear of Crime: A Review of the Literature", *International Review of Victimology*, 4: 79-150.
- Hunter, A and T. Baumer (1982) "Street Traffic, Social Integration and Fear of Crime", *Soc. Inquiry*, 52: 122-131.
- Johnston, L. (2001) "Crime, Fear and Civil Policing", *Urban Studies*, 38: 959-976.
- Kanan, J. W. & M. V. Pruitt (2002) "Modeling Fear of Crime and Perceived Victimization Risk: The (in)significance of Neighborhood Integration", *Sociological Inquiry*, 72: 527-549.
- LaGrange, R. L., K. F. Ferraro & M. Supancic (1992) "Perceived Risk and Fear of Crime: Role of Social and Physical Incivilities", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 29: 311-334.
- Lane, J. and W. M. James (2005) "Theories and Fear of Gang Crime among Whites and Lathinos: A Replication and Extension of Prior Research", *Journal of Criminal Justic*, 33: 627-641.
- Lane, J. S. (1998) *Crime and Gangs in an Urban Sphere: Constructing the Threat and Fearing the Future*, Unpublished doctoral dissertation, University of California, Irvine.
- Lindström, M., J. Merlo & P. Östergren (2003) "Social Capital and Sense of Insecurity in the Neighborhood: A Population-based

- Multilevel Analysis in Malmö, Sweden”, *Social Science and Medicine*, 56: 1111-1121.
- Liska, A. E., A. Sanchirico and M.D. Reed (1988) “Fear of Crime and Constrained Behavior Specifying and Estimating a Reciprocal Effects Model”, *Social Forces*, 66 (3): 827–37.
- Markowitz, F. E., P. E. Bellair, A. E. Liska and J.H. Liu (2001) “Extending Social Disorganization Theory: Modeling the Relationships between Cohesion, Disorder, and Fear”, *Criminology*, 39 (2): 293–320.
- May, D. C. & R. G. Dunaway (2000) “Predictors of Fear of Criminal Victimization at School among Adolescents”, *Sociological Spectrum*, 20: 149-168.
- McCoy, H. V., J. D. Wooldredge, F. T. Cullen, P. J. Dubeck, & S. L. Browning (1996) “Lifestyles of the Old and Not So Fearful: Life Situation and Older Persons’ Fear of Crime”, *Journal of Criminal Justice*, 24: 191-205.
- Pain, R. (2000) “Place, Social Relations and the Fear of Crime: A Review”, *Progress in Human Geography*, 24: 365-387.
- Perkins, D. D., P. Florin, R. C. Rich, A. Wandersman and D. M. Chavis (1990) “Participation and the Social and Physical Environment of Residential Blocks –Crime and Community Context”, *American Journal of Community Psychology*, 18 (1): 83–115.
- Riger, S., R. K. Lebailly and M. T. Gordon (1981) “Community Ties and Urbanites’ Fear of Crime – an Ecological Investigation”, *American Journal of Community Psychology*, 9 (6): 653–65.
- Rountree, P. W., & K. C. Land (1996) “Perceived Risk versus Fear of Crime: Empirical Evidence of Conceptually Distinct Reactions in Survey Data”, *Social Forces*, 74: 1353-1376.
- Sacco, V. F. (1993) “Social Support and the Fear of Crime”, *Canadian Journal of Criminology*, 35: 187-196.
- Sampson, Robert J., Stephen Raudenbush, and Felton Earls (1997) “Neighborhoods and Violent Crime: A Multilevel Study of Collective Efficacy”, *Science*, 277: 918-924.
- Sampson, R. J. (2001) “Crime and Public Safety: Insights from Community-level Perspectives on Social Capital”, in S. Saegert,

- J. P. Thompson, & M. R. Warren (Eds.), *Social Capital And Poor Communities*, New York: Russell Sage: 89-114.
- Schafer, J., T. Huebner, and T. Bynum (2006) "Fear of Crime and Criminal Victimization: Gender-based Contrasts", *Journal of Criminal Justice*, 34: 285-301.
- Sirgy, M. J. and T. Cornwell (2002) "How Neighborhood Features Affect Quality of Life", *Social Indicators Research*, 59 (1): 79-114.
- Thompson, E. E., & N. Krause (1998) "Living Alone and Neighborhood Characteristics as Predictors of Social Support in Late Life", *Journal of Gerontology*, 53B: 354-34.
- Vacha, E. F., & T. F. McLaughlin (2000) "The Impact of Poverty, Fear of Crime, and Crime Victimization on Keeping Firearms for Protection and Unsafe Gun-storage Practices: A Review and Analysis with Policy recommendations", *Urban Education*, 35: 496-510.
- Warr, M. (1987) "Fear of Victimization and Sensitivity to Risk", *Journal of Quantitative Criminology*, 3: 29-46.